



### پاپ برای ما میانجیگری نکند

سخنان رهبر کاتولیک‌های جهان، پاپ فرانسیس، درباره مذاکره با روسیه و بالا بردن پرچم سفید توسط اوکراین، خشم سران این کشور را برانگیخت. وزیر خارجه اوکراین، دیمیتری کولبا، در یک پیام در شبکه ایکس (توییتر سابق) در سخن پاپ به بی‌طرفی واتیکان در جنگ جهانی دوم طعنه زد و نوشت: «در موضوع (بالا بردن) پرچم سفید، ما این را از راهبر واتیکان در نیمه اول قرن بیستم می‌دانیم.» وی با بیان اینکه واتیکان «از تکرار اشتباهات گذشته بپرهیزد و از اوکراین و مردمش حمایت کند»، افزود: «پرچم ما به رنگ زرد و آبی است و این پرچمی است که ما با آن زندگی می‌کنیم، می‌میریم و پیروز می‌شویم. ما هرگز هیچ پرچم دیگری را به اهتزاز در نمی‌آوریم.» زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین هم در یک نطق ویدئویی بدون اشاره مستقیم به پاپ فرانسیس اعلام کرد که کلیسای اوکراین «در کنار مردم قرار دارد و نه اینکه در فاصله دوهزار و پانصد کیلومتری دریج جا، بین کسی که می‌خواهد زندگی کند و کسی که می‌خواهد شما را نابود کند، به صورت مجازی میانجیگری کند.»



### آمریکا شریک جرم نشود

سناتور برنی سندرز ضمن آنکه جنگ غزه را «بحرانی بی‌سابقه» خواند، مجدداً درخواست خود را از کاخ سفید برای توقف ارسال تجهیزات نظامی بی‌قید و شرط به تل‌آویو مطرح کرد و گفت که «بنیامین نتانیاهو دیگر نمی‌تواند اسرائیل را اداره کند.» «برنی سندرز» سناتور مستقل آمریکایی با حضور در برنامه «فیس د نیشن» از تلویزیون سی‌بی‌اس عنوان کرد: موضوع فقط ۳۰ هزار نفر نیست. دوسوم آنها زنان و کودکان هستند و کشته شده‌اند. ما مرگ صدها هزار کودک را به دلیل گرسنگی احتمال می‌دهیم. او در ادامه با تکرار اظهارات پیشین خود گفت: ایالات متحده آمریکا نباید شریک جرم کشتار کودکان شود. دولت آمریکا نباید به نتانیاهو التماس کند. دولت آمریکا باید به آنها بگوید اگر پول می‌خواهید، باید سیاست خود را تغییر دهید و به کامیون‌های امدادی اجازه ورود بدهید تا به کودکان غذا برسد. این سناتور مستقل آمریکایی تصریح کرد: اسرائیل حقوق را نقض می‌کند. توقف کمک‌های بشردوستانه آمریکا ناقض حقوق بشر است. این مسئله باید روشن شود که هیچ پولی نباید برای ماشین جنگی نتانیاهو جهت کشتن فلسطینی‌ها ارسال شود.



### دفاع اوربان از ترامپ

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان گفت، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده تأکید کرد که در صورت راهیابی به کاخ سفید در نوامبر امسال به اوکراین کمک مالی نخواهد کرد و جنگ را تمام می‌کند. اوربان در مصاحبه‌ای با شبکه مجارستانی M1 گفت: «اگر آمریکایی‌ها اسلحه و پول ندهند و اروپایی‌ها هم از آنها پیروی نکنند، جنگ تمام می‌شود. اگر آمریکایی‌ها پول ندهند، اروپایی‌ها خودشان نمی‌توانند این جنگ را تأمین کنند و آن وقت جنگ تمام می‌شود. ترامپ الان رئیس‌جمهور نیست، اما وقتی دموکرات‌ها می‌خواهند برای جنگ پول بفرستند حزب او دخالت می‌کند. ترامپ گفت اگر برگردد، این کار را نمی‌کند و یک پنی هم تخصیص نمی‌دهد و بعد این جنگ تمام می‌شود.» ترامپ و اوربان متحدان دیرینه‌ای هستند که دیدگاه‌های سیاسی محافظه‌کارانه مشترکی دارند و علناً احترام و حمایت متقابل را ابراز کرده‌اند. اوربان هم در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و هم در چالش‌های حقوقی که او با آن مواجه است، از ترامپ حمایت کرده است.

اکثر شرکت‌ها در ابتدا قوانین جدید را رعایت کردند، با گذشت زمان، برخی از آنها راه‌هایی برای دور زدن محدودیت‌ها و غلبه بر موانع پیدا می‌کنند. قانونگذاران باید هوشیار باشند. رقابتی آمریکایی مسلماً بیکار نمی‌نشینند. پس از اینکه غرب تقریباً تمام تعاملات اقتصادی با روسیه را در سال ۲۰۲۲ قطع کرد، مسکو به‌زودی منابع جایگزینی برای تأمین از چین را پیدا کرد. واردات روسیه از یکن از سال ۲۰۲۱ تاکنون ۶۴ درصد افزایش یافته است. سیاست‌هایی مانند کنترل صادرات و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی پیامدهای ناخواسته‌ای دارند و فقط برای مدت‌زمان محدودی اثربخش خواهند بود. با توجه به واکنش کشورهای و صنایع و با توجه به تغییرات تکنولوژی، نیاز است این سیاست‌ها و قوانین، مدام به‌روزرسانی شوند. چنین قوانینی همچنین مستلزم اقدامات چندجانبه است، زیرا سایر بازیگران در سراسر جهان با خوشحالی به دنبال جایگزین تخصص و سرمایه‌ایالات متحده خواهند بود. سیاست‌های صنعتی نیز محدودیت‌های مشابهی دارند. دولت‌ها می‌توانند قصد خود را برای کاهش وابستگی‌های اقتصادی خارجی بیان کنند، اما ابزار این کاهش وابستگی محدود است.

انطباق با این واقعیت ژئوپلیتیک جدید مستلزم یک تغییر پارادایم برای سیاستگذاران است. به‌طور سنتی، تعاملات بین تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی و صنایع و شرکت‌های بزرگ، یا خصمانه یا تبلیغاتی بوده است. در آینده، دولت ایالات متحده باید رویکرد مشارکتی قوی‌تری اتخاذ کند. یک گام کلیدی این است که قصد و هدف هر سیاست را به‌وضوح بیان کند. اگر هدف نامشخص و تعریف‌نشده باشد، پیروی از روح مقررات دولتی برای شرکت‌ها غیرممکن است. به‌عنوان مثال، مقامات دولت بایدن بارها از «بیوتکنولوژی» به‌عنوان حوزه‌ای مورد توجه و در ردیف بعدی محدودیت‌های فعالیت اقتصادی در چین نام برده‌اند. با این حال هنوز مشخص نشده است که کدام جنبه از اکوسیستم پیچیده و گسترده بیوتکنولوژی، بیشتر نگران‌کننده است. همچنین دولت آمریکا هنوز مشخص نکرده است که چگونه قصد دارد سرمایه و دانش ایالات متحده را محدود کند و چه هدفی از این کار دارد. انجام این کار به شرکت‌ها کمک می‌کند تا درک کنند که چگونه با بازار چین امروز تعامل داشته باشند.

مقامات سیاست خارجی همچنین باید تخصص بیشتری را در زمینه اقتصاد و فناوری‌های حیاتی توسعه دهند. در دوران برنت اسکوکرافت، که به‌عنوان مشاور امنیت ملی جرالد فورد و جورج اچ‌دبلیو بوش و یک استراتژیست چیره‌دست بود، دولت آمریکا در مورد هر چیزی که به اقتصاد مربوط می‌شد، اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد. آن دوران دیگر گذشته است. ایجاد قدرت، مستلزم گفت‌وگو و نهادینه‌شده‌تر با بخش خصوصی است. این گفت‌وگو باید در موقعیت‌هایی که شرکت‌ها باید تصمیماتی با پیامدهای بلندمدت، مانند خریدهای خارجی یا سازمان‌دهی مجدد عملیاتی بگیرند، انجام شود.

وزارت بازرگانی باید یک دفتر مشاوره برای چنین بحث‌هایی ایجاد کند. در این دفتر شرکت‌ها می‌توانند گفت‌وگو با سیاست‌گذاران داشته باشند. سیاست‌گذاران ایالات متحده باید با مجموعه گسترده‌ای از پرسش‌ها و مشکلات کنار بیایند. سلف آنها در طول جنگ سرد این فرصت را داشتند که از این پرسش‌ها اجتناب کنند اما باید گفت که آن نسل‌های قبلی سیاست‌گذاران مجبور بودند همه این کارها را در پاسخ به تغییرات پارادایم ژئوپلیتیک زمان خود انجام دهند. سوالات و مشکلات در آن زمان متفاوت بود، اما آنها نیز نیاز به یک نوع انطباق داشتند. مقامات آمریکایی قبلاً بارها در این کار موفق بوده‌اند و می‌توانند دوباره این کار را انجام دهند.

مترجم: آر یاصدیقی

چین ایجاد کند یا یک شرکت بیوتکنولوژی چینی را خریداری کند؟ آیا یک شرکت لوازم الکترونیکی مصرفی باید تراشه‌های ساخت چین را در صورت مقرون به‌صرفه بودن خریداری کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم پیش‌بینی نتایج بحث‌های سیاسی بسیار متنوع و انتخاب‌های سیاست‌گذاری است که شرکت‌ها کنترل کمی روی آن‌ها دارند و با این حال، هر تصمیمی که آنها می‌گیرند، تأثیر قابل توجهی بر این دارد که آیا، برای مثال، ایالات متحده می‌تواند به‌طور مؤثر از روابط اقتصادی خود با چین «ریسک‌زدایی» کند یا خیر؟

مثال نیمه‌های، بسیار آموزنده است. واشنگتن به‌دنبال تقویت مجدد تولید نیمه‌هایها است، اما موفقیت سیاست صنعتی آن، تا حدی به نحوه توزیع پارانهای ۳۹ میلیارد دلاری توسط وزارت بازرگانی در پنج سال آینده بستگی دارد. یک عامل بسیار مهمتر این است که آیا تولیدکننده تراشه تایوانی TSMC با وجود هزینه‌های بالا و کمبود نسبی سرمایه انسانی، خطر راه‌اندازی تأسیسات در ایالات متحده را خواهد پذیرفت و آیا اپل تصمیم دارد به جای خرید ارزان‌تر، تراشه‌های گران‌تر ساخته‌شده توسط سازندگان آمریکایی را خریداری کند؟ در برخی موارد، شرکت‌ها به‌شبهه آشکارتری سیاست خارجی و درگیری‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند. استارلینک را در نظر بگیرید. این سرویس اینترنت مبتنی بر ماهواره که توسط اسپیس ایکس ارائه شده، شرکتی است که متعلق به ثروتمندترین مرد جهان، ایلان ماسک است. پس از اینکه حملات سایبری روسیه قبل از تهاجم فوریه ۲۰۲۲ اکثر اتصالات اینترنتی در اوکراین را از بین برد، ماسک عجله کرد تا دسترسی Starlink را در اوکراین فراهم کند. اما در سپتامبر همان سال، ماسک درخواست کیف‌ی برای گسترش پوشش Starlink را کریمه را رد کرد. اوکراین قصد داشت با استفاده از استارلینک بتواند به نیروهای روسیه در کریمه حمله کند. ماسک بعداً نوشت که انجام این کار باعث می‌شود که اسپیس ایکس به‌طور آشکار در یک اقدام بزرگ جنگ‌افروزان و تشدید درگیری شریک شود. ماسک، در آن زمان در مصاحبه‌ای گفت: «اصلاً من کجای این جنگ هستم؟ اما وضعیت مخصوصاً ماسک نباید برای او یا هیچ‌کس دیگری تعجب‌آور باشد. خطوطی که دولت‌ها را از شرکت‌ها و روابط بین‌الملل را از تجارت جدا می‌کند، تا حدی محو شده است.

▼ **ذهنیت رشد اقتصادی**  
از آنجایی که دولت‌ها با زنجیره‌های تأمین پیچیده و اکوسیستم‌های فناوری ساخته‌شده در طی دهه‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، انتخاب‌ها و رفتار هزاران بازیگر شرکتی، دستیابی به اهداف سیاسی را دشوارتر می‌کند و با توجه به مجموعه ابزار ذاتاً محدود و تفاوت‌های ظریف بی‌شمار در هر صنعت، دولت ایالات متحده احتمالاً نمی‌تواند به‌هر حال قابل‌تصور یا احتمالی برای اعمال تحریم یا کنترل صادرات خاص فکر کند. واشنگتن برای پایبندی به روح سیاست‌ها باید به شرکت‌ها تکیه کند. حتی اگر

# دستان مدیران عامل

## در مقابل صنایع آمریکا و دولت فدرال تعیین می‌شود

اقتصادهای جهانی را دارند، توربوشاژ می‌شوند. هدف هر دو کشور، تسلط بر اقتصاد قرن بیست‌ویکم است و این تسلط به معنای دستیابی به دست برتر در فناوری‌های محاسباتی، بیوتکنولوژی و انرژی پاک است و سیاست‌های خارجی هر دو کشور در حال حاضر توسط تمایل مشترک برای شکل دادن به اقتصادشان به‌روشن‌هایی هدایت می‌شود که آسیب‌پذیری آنها را کاهش داده و اهرم‌های آنها را افزایش می‌دهد. چین این رویه را «اتکا به خود» می‌نامد. واشنگتن آن را «ریسک‌زدایی» می‌نامد.

از نظر ایالات متحده، آنچه عملی به نظر می‌رسد، کنترل‌های صادراتی گسترده بر روی نیمه‌های‌های پیشرفته و تجهیزات تولیدی، نظارت بیشتر دولت بر سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های آمریکایی در بازارهای خارجی و ارائه پارانهای عمده برای صنایعی مانند خودروهای الکتریکی و ریزتراشه‌ها است. در این دنیای جدید، وزیر بازرگانی آمریکا در سیاست خارجی به اندازه وزرای امور خارجه و دفاع اهمیت دارد.

واشنگتن در عملی کردن چنین اقداماتی تنها نیست. انگیزه‌های دولت‌ها برای خوداتکایی بیشتر در اقتصاد، به‌ویژه پس از اختلالات زنجیره تأمین ناشی از همه‌گیری COVID-۱۹، تثبیت شده است. برای مثال، تعداد کشورهایایی که کنترل سرمایه‌گذاری را اجرا کرده یا گسترش می‌دهند، از سه کشور بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵ به ۵۴ کشور بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ رسیده است. در همین حال، موجی از سیاست‌های صنعتی موانع تجاری را با هدف تلاش برای ترغیب شرکت‌ها به تقویت مجدد زنجیره عرضه افزایش داده است. در عین حال، درک آنچه برای امنیت ملی مهم است نیز گسترش یافته است، زیرا کشورها به دنبال پیشرفت یا محافظت از همه چیز، از نرم‌افزار و میکروچیپ گرفته تا داروها و مواد غذایی، هستند.

### ▼ من کجای این جنگ هستم؟

در این محیط جدید، موفقیت یا شکست سیاست‌گذاری خارجی به‌طور فزاینده‌ای به تصمیم‌گیری شرکت‌ها بستگی دارد. کنترل‌ها و تحریم‌های صادراتی تنها در صورتی مؤثر هستند که شرکت‌ها آنها را دور نزنند. سیاست‌های صنعتی و پارانهای تنها در صورتی مؤثر هستند که شرکت‌ها به‌شوق‌هایی که قرار است این سیاست‌ها ایجاد کنند، پاسخ دهند. بسیاری از پیچیدگی‌های این دوره جدید ریشه در تفاوت بین نحوه نگاه بخش‌های دولتی و خصوصی به چشم‌انداز زمان دارد. سیاست‌گذاران خطوط روشنی را به همراه پیامدهای عملیاتی فوری تعیین می‌کنند. برای مثال، به‌طور ناگهانی شرکت‌ها از صادرات یا واردات کالاها یا خاص از کشورهای خاص منع می‌شوند. اما شرکت‌ها باید تصمیمات سرمایه‌گذاری بلندمدت بگیرند. آیا در صورت وجود تقاضا در بازار، یک شرکت باید کارخانه دیگری در چین راه‌اندازی کند و آیا انجام آن در حال حاضر توسط قانون مجاز است؟ با توجه به خط سیر بلندمدت روابط بین‌پکن و غرب، آیا یک شرکت داروسازی باید مراکز تحقیق و توسعه پیشرفته را در سرزمین اصلی

